بلینکن برای چهارمین بار در ۳ ماه اخیر به غرب آسیا آمده است، آمریکایی‌ها تاکنون هم ضربات زیادی خورده‌اند هم نتوانسته‌اند حساب خود را از نتانیاهو جدا کنند

قاتل به صحنه جرم برگشت

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

صاحبان اصلی رژیم صهیونیستی نمایندگان خود را به منطقه اعزام کرده‌اند. آمریکا و اروپا تحت فشار سنگین و همه‌جانبه تبعات جنگ در غزه قرار دارند و به‌دنبال راه‌هایی برای خروج از این شرایط هستند. این فشارها مانند آب راه خود را گشوده و با عبور از موانع خود را به پشت دفاتر حزبی و خانه سیاستمداران غربی رسانده‌اند.

مخالفان جنگ و طرفداران فلسطین در آمریکا سایه‌به‌سایه آنتونی بلینکن، وزیر خارجه این کشور را تعقیب می‌کنند. آنها که در جریان یکی از جلسات کنگره با دستانی قرمز او را در جنایات رژیم شریک دانسته بودند، پیش از سفر او به منطقه بیرون خانه‌اش روی خودرو حامل وی رنگ قرمز پاشیدند. در دولت نیز اوضاع بایدن بلینکن و رئیسش جو بایدن خوب نیست. طارق حبش، معاون فلسطینی‌تبار وزارت آموزش آمریکا که به‌تازگی در اعتراض به حمایت‌های دولتش از جنایات رژیم استعفا داده، اعلام کرده بسیاری در دولت نسبت به این روند خشمگینند.

تنها یک روز پیش از استعفای حبش، ۱۷ عضو ستاد بایدن درباره پشت کردن حامیان حزب دموکرات از او به‌خاطر جنگ غزه هشدار دادند. آنها در یک نامه بدون انتشار هویت اصلی خود، خواستار آتش‌بس شدند و گفتند که ستاد بایدن «شاهد استعفای دسته‌جمعی داوطلبان بوده است.» جنگ غزه ضربه‌ای سنگین به قدرت نرم نظام‌های سیاسی غرب در داخل جغرافیایی این جبهه و همچنین در حوزه‌های نفوذ آن وارد کرده است. برای پوشش این زیان‌ها، روز جمعه آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا و جوزف بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قالب هیات‌های جداگانه‌ای وارد منطقه شدند. همزمانی سفر این دو نظرات مختلفی را برانگیخته است. یک نظر جدایی آمریکا و اروپا را در قضیه جنگ غزه بیان می‌کند و نگاهی دیگر به هماهنگی میان این دو مجموعه در این سفر معتقد است. مواضع و کشورهای محل سفر نشانگر آن است که آمریکا و اروپا از یک‌سو نظرات متفاوتی درخصوص جنگ دارند که نیازمند پیگیری‌های جداگانه‌ای است و از سوی دیگر آنها در یک قالب درحال به نظم درآوردن فضای منطقه به نفع غرب و رژیم هستند.

بلینکن و معامله نتانیاهو با همه‌چیز

بلینکن شامگاه جمعه ۱۵ دی وارد ترکیه شده و با رئیس‌جمهور و وزیرخارجه این کشور دیدار کرد. این سفر، چهارمین سفر وزیر خارجه آمریکا درطول سه ماه جنگ در غزه است. علاوه‌بر ترکیه او به یونان، اردن، قطر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی، کرانه باختری رود اردن و مصر نیز سفر می‌کند.

رسانه‌ها گفته‌اند بخشی از دستور کار این سفر ارسال پیام غیرمستقیم برای ابراز عدم تمایل آمریکا به گسترش جنگ به منطقه از سوی دولت‌هایی است که روابط خوبی با ایران دارند. منظور از این دولت‌ها احتمالا ترکیه و قطر است هرچند مدتی قبل عربستان سعودی نیز به‌عنوان میانجی برای ارسال پیام به ایران به‌کار گرفته شد. عبدالقادر فایز، خبرنگار الجزیره پیش از سفر گفته بود آمریکا از طریق میانجی‌های منطقه‌ای به ایران پیامی ارسال کرده که «پیام چهارچوبی چندگانه دارد و همزمان شامل عقب‌نشینی، تشویق، بازدارندگی و هشدار است.» موضوعاتی مانند تاکید بر حفاظت از غیرنظامیان، آزادی اسرا، ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه، احیای خدمات حیاتی و جلوگیری از جابه‌جایی اجباری فلسطینی‌ها نیز در چهارچوب مذاکراتی بلینکن قرار دارند.

با وجود دستورکارهایی که برای سفر بلینکن اعلام شده، درخصوص سفر او نکاتی وجود دارد:

۱ مشکل آمریکا با جنگ در منطقه امکان طولانی شدن آن و قابلیت گسترش بالای آن است. به‌عنوان نمونه درصورت حمله مستقیم آمریکا به یمن، احتمال درگیری این کشور با مقاومت عراق، سوریه و کشیده شدن جنگ به منافع آمریکا در خلیج‌فارس وجود دارد. اگر آمریکا طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در ویتنام در یک جبهه، شوروی طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در افغانستان در یک جبهه، آمریکا طی دهه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ در منطقه در دو جبهه افغانستان و عراق یا روسیه طی دهه ۲۰۲۰ در اوکراین در یک جبهه جنگیدند، واشنگتن در شرایط کنونی باید به‌طور همزمان در چندین کشور وارد جنگ شود، آن هم درحالی‌که گرفتاری‌هایش در دو جبهه فعال اوکراین و فلسطین اشغالی رفع نشده و با حرکت دو جبهه غیرفعال پیشین به‌سمت نیمه‌فعال شدن در تایوان و شبه‌جزیره کره مواجه است. آمریکا با توجه به روحیه تجاوزگرانه‌اش اقداماتی در منطقه انجام داده که وضعیت را به شرایط جنگی نزدیک‌تر کرده و پس از اقدام به‌دنبال آن است که با مذاکره وضعیت را آرام سازد.

پس از حمله روز پنجشنبه در شرق بغداد که به شهادت «علی السعیدی» ملقب به «ابوتقوی» معاون فرمانده عملیات حزام بغداد و دستیار او و مجروحیت شش نفر دیگر منجر شد محمد شیاع السودانی نخست‌وزیر عراق در واکنش به این نقض حاکمیت عراق، وعده داد که نیروهای آمریکایی را از کشور بیرون کند و مقاومت اسلامی عراق نیز خواستار دریافت تضمین‌هایی برای اخراج اشغالگران آمریکایی شد. همزمان دبیرکل مقاومت لبنان فضای منطقه را برای اخراج آمریکا از منطقه و پایان دادن اشغالگری‌ها مانند اشغال مناطقی از لبنان توسط رژیم مساعد توصیف کرد. آمریکا پس از جنایت خود علیه ارتش یمن و نیروهای مسلح عراق، با اعزام بلینکن به‌دنبال پایان دادن به ماجراست اما از نظر طرف مقابل، فصل دیگری از داستان آغاز شده که هدف آن این بار نه آسیب به رژیم، بلکه به‌طور مستقیم ضربات کاری به واشنگتن است.

۲ آمریکا قصد دارد حساب خود را از رژیم صهیونیستی جدا کند. این جداسازی با استفاده از نتانیاهو پیگیری می‌شود. آمریکا در پیام خود به ایران اعلام کرده تنها طرفی که به‌دنبال گسترش جنگ در منطقه است، نتانیاهوست و او بخشی از حل‌وفصل سیاسی جنگ نخواهد بود. این ادعا در شرایطی صورت می‌گیرد که به‌موازات ترورها و حملات منطقه‌ای رژیم به سوریه و لبنان، در یک تقسیم‌بندی آشکار، آمریکا دنباله این حملات در عراق و یمن را درپیش گرفت و جدای از رژیم یا آنچه دولت بایدن اقدامات نتانیاهو می‌نامد، عمل نکرد. با وجود این، آمریکا خواهان معامله‌پذیر کردن آینده سیاسی نتانیاهو و فروش آن به محور مقاومت برای حل‌وفصل قضایای جنگ است. واشنگتن قصد دارد روغن ریخته‌شده را که همان سقوط حتمی نتانیاهو پس از جنگ است به فروش بگذارد و مابه‌ازایی دریافت کند.

۳ پیشنهادهای آمریکا ضمانتی ندارند. واشنگتن قصد دارد جنگ در غزه را منجمد کند تا ساکنان این منطقه بدون بازسازی منازل و زیرساخت‌ها و بدون دریافت امکانات معیشتی کافی ذره‌ذره در محاصره آب شوند و در مقابل صهیونیست‌ها از شر زیان‌های جنگ خلاص شوند.

بورل و خشم لبنانی‌ها

جوزف بورل روز جمعه وارد منطقه شده و به‌عنوان ایستگاه نخست به لبنان رفته است. او قرار است امروز یکشنبه راهی ریاض پایتخت عربستان سعودی شود.

آنالنا بربوک، وزیر خارجه آلمان نیز قرار است چهارشنبه به فلسطین اشغالی سفر کند که بیشتر یک سفر حمایتی به‌شمار می‌رود.

سفر بورل به لبنان می‌تواند ارتباط مستقیمی به خشم مقامات لبنانی از رژیم داشته باشد که در قالب مواضع نخست‌وزیر و وزیر خارجه لبنان آشکار شده است. نجیب میقاتی پس از ترور العاروری، معاون دفتر سیاسی حماس به‌شدت به رژیم تاخت و پس از آن عبدالله بوحبیب، وزیر خارجه این کشور نیز علاوه‌بر ترور العاروری، انفجار کرمان را نیز با تل‌آویو مرتبط ساخته و نیت صهیونیست‌ها را گسترش جنگ به منطقه دانست.

سفر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا حاوی نکاتی است که در ادامه می‌آید:

۱ از نگاه اروپا اولویت غرب جنگ اوکراین است اما بخشی از ساختارهای آمریکا مانند وزارت دفاع جنگ در فلسطین اشغالی و غرب آسیا را مهم‌تر می‌دانند. بورل به‌دنبال پایان دادن تنش برای بازگشت توجهات به اوکراین است و آمریکا قصد دارد اوضاع را با اولویت‌دهی به غرب آسیا مدیریت کند.

۲ جوزپ بورل در جریان کنفرانس مطبوعاتی در بیروت با وزیر امور خارجه لبنان گفت: «باید از کشاندن لبنان به یک درگیری منطقه‌ای جلوگیری کرد.» وی افزود: «من این پیام را به اسرائیل نیز می‌فرستم؛ هیچ‌کس از یک درگیری منطقه‌ای برنده نخواهد شد.»

لبه نرم این سخنان به‌سمت رژیم و لبه تند آن به‌سمت لبنان است. بورل این‌گونه سخن گفته تا خود را بی‌طرف نشان دهد اما درحقیقت طبق مسیر تل‌آویو حرکت کرده است.

مقاومت لبنان در محدوده مرزی علیه رژیم صهیونیستی دست به حمله می‌زند و آن را به شرایط جنگ غزه متصل کرده است. درحالی‌که این رژیم است که تهدید کرده این درگیری مرزی را به یک جنگ گسترده تبدیل می‌کند. صحبت بورل از احتمال وقوع جنگ تکرار مواضع رژیم و به‌نوعی تهدید لبنان است.

۳ اروپا هرچند لبنان را تهدید کرده اما می‌داند همان‌گونه که جنگ در غزه شبیه جنگ‌های قبلی نیست و یمن دریای سرخ را مسدود کرده و دامنه حملات به کشتی‌های رژیم به نزدیکی سواحل هند و مالدیو نیز کشیده شده است، درصورت وقوع جنگ در لبنان، دامنه نبرد کشتی‌ها به دریای مدیترانه نیز کشیده می‌شود و جنگ شبیه سال ۲۰۰۶ نیست. این محاسبه اروپایی‌ها اشتباه نیست. اگر جنگ به لبنان کشیده شود، جنگ مدیترانه را نیز دربرمی‌گیرد. امنیت دربرابر امنیت قرار دارد.

یکشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۵۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سامی العریان، رئیس مرکز مطالعات اسلام و امور بین‌الملل دانشگاه زعیم استانبول در نشست «آینده جنگ غزه»:

اسرائیل دنبال تشکیل رژیم آپارتاید است

فاطمه بریمانی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

جنگنده‌ها، توپخانه‌ها و تسلیحات سنگین در جنگ یک منطقه را نابود می‌کند اما باعث پیروزی نمی‌شود. در جنگ حرف آخر را ارتشی می‌زند که روی زمین مستقر است و منطقه را تثبیت کرده است. در جنگ غزه، با وجود بمباران گسترده مناطق مسکونی و تبدیل شمال غزه به ویرانه‌ای کامل، صهیونیست‌ها حتی با تانک‌ها و نفربرهای زرهی نیز ناتوان از تسلط بر زمین هستند. برای فلسطینی‌ها و راکت‌های یاسین ۱۰۵، هیچ هدفی به شیرینی تانک‌های مرکاوا نیست. رزمندگان غزه با همین راکت‌ها تیپ گولانی را از غزه فراری داد و صهیونیست‌ها را ناچار کرد بدون سر و صدا، به دنبال عقب‌نشینی از منطقه غزه باشد. صهیونیست‌ها برای سرپوش بر این رسوایی ۹۰ روزه، ماجراجویی‌هایی هم در منطقه با ترور چند فرمانده مقاومت از ایران و حماس کردند اما آنها هم نتوانستند شکاف‌های داخلی ایجادشده در سرزمین‌های اشغالی را سامان دهند. برای بسیاری از تحلیلگران درباره آینده این جنگ ابهام وجود دارد اما برخی دیگر به‌ویژه کسانی که شناختی از جبهه مقاومت دارند معتقد به پیروزی این جبهه در جنگ هستند؛ چراکه اسرائیل با وجود کمک‌های تسلیحاتی و فرماندهی آمریکا نتوانست به هیچ یک از اهداف ازپیش‌تعیین‌شده‌اش دست پیدا کند. سه‌شنبه هفته گذشته دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران میزبان نشستی مجازی با عنوان «آینده جنگ غزه» و با ارائه سامی العریان، رئیس مرکز مطالعات اسلام و امور بین‌الملل دانشگاه زعیم استانبول بود. متن کامل این نشست را در ادامه می‌خوانید.

جنگ میان اسرائیل و مردم غزه از ۷ اکتبر شروع نشده، بلکه یک و نیم قرن است که این درگیری ادامه دارد. پس از شکل‌گیری دولت-ملت بعد از پیمان وستفالی، یهودی‌ها به گرایش‌های ناسیونالیستی اهمیت بیشتری دادند. در نیمه قرن نوزدهم با اندیشه هرتزل، این گرایشات به‌وضوح مطرح شد که یهودیت را از یک دین به یک قوم تبدیل کرده بود. همزمان با این موضوع در آغاز قرن بیستم، دو مساله برای فلسطین مهم شد؛ یک موضوع بحث یهودیان و موضوع دوم هم حول محور یک سوالی بود که برای قدرت‌های آن موقع مانند فرانسه و انگلیس درباره خاورمیانه مطرح شد. این قدرت‌ها مدت‌های طولانی با اعراب، کشورهای اسلامی و مردم مسلمان مشکل داشتند. کشورهای اروپایی به این فکر افتادند که با شکل‌گیری یک دولت یهودی هر دو مشکل، یعنی هم مشکل یهودیان و نژادپرستی -که نسبت به یهودی‌ها طی قرن‌ها شکل گرفته بود و موضوعی که هرتزل مطرح کرده بود- و هم موضوع اعراب و مسلمانان که با آغاز قرن بیستم و افول امپراتوری عثمانی، مهم شده بود را به‌طور همزمان حل کنند.

رشد ۱۳ برابری صهیونیست‌ها در ۳۰ سال

بر همین اساس از سال ۱۹۱۸ که ۵۰ هزار یهودی در فلسطین بودند، تا سال ۱۹۴۸ این رقم ۱۳ برابر شد و به ۶۵۰ هزار یهودی رسید. افزایش این تعداد به دلیل فرصت مهاجرت غیرقانونی‌ای بود که انگلیس برای یهودیان فراهم کرده بود. در سال ۱۹۴۸ جمعیت فلسطینی‌ها حدود یک میلیون و ۳۵۰ هزار الی یک و نیم میلیون نفر بود. جمعیت یهودیان هم ۶۵۰ هزار نفر بودند که حدود ۷۵۰ هزار فلسطینی از این تعداد از طریق پاکسازی نژادی توسط صهیونیست‌ها آواره شدند.

اسرائیل یک دولت نظامی است و برای مشکلاتش هم راه‌حل‌های نظامی انتخاب می‌کند. در سال ۱۹۴۸ که ۷۸ درصد خاک فلسطین را اشغال کرد و در سال ۱۹۶۷ فلسطین را به اشغال کامل درآورد. برخلاف آن چیزی که عوام می‌گویند فلسطینی‌ها سرزمین‌هایشان را نفروختند. بالاترین آمارهایی که برای فروش سرزمین وجود دارد، ۶٫۵ درصد است. از سال ۱۹۹۳ روند صلح موسوم به اسلو آغاز شد.

مذاکرات صلح و شهرک‌سازی بی‌رویه

طبق این توافق راه‌حل «۲ دولت-دو ملت» مطرح شد. قرار بود طی این روند تا سال ۱۹۹۹ به راه‌حلی برسند که طبق آن فلسطینی‌ها دولتی در ۲۲ درصد فلسطین تشکیل دهند، اما این اتفاق هیچ‌وقت محقق نشد. به همین شکل نزدیک به ۳۰ سال است که روند صلح ادامه پیدا کرده است. از دل روند صلح اسلو تشکیلات خودگردان شکل گرفت. البته تشکیلات خودگردان هم از آن موقع با صهیونیست‌ها همکاری می‌کرد. لازم است آمار مهمی را ارائه دهم؛ زمانی که مذاکرات صلح آغاز شد، ۱۲۵ هزار شهرک‌نشین داشتیم. این شهرک‌ها شهرک‌هایی هستند که در آن ۲۲ درصد سرزمین فلسطینی‌ها ساخته می‌شدند. ما امروز بیش از ۷۵۰ هزار شهرک‌نشین داریم. این یعنی طی این ۳۰ سال که مذاکرات صورت گرفته تعداد شهرک‌ها و شهرک‌نشین‌ها مدام درحال افزایش بوده است.

اسرائیل سه راه‌حل پیش‌رو داشته است. راه‌حل اول تشکیل ۲ دولت-دو ملت بود که این راه‌حل هیچ‌وقت محقق نشد. راه‌حل دوم، راه‌حل یک دولتی بود. این راه‌حل با توجه به جمعیت بیشتر فلسطینی‌ها عملا صهیونیسم را به‌طور کامل از بین می‌برد. راه‌حل سوم، تشکیل یک رژیم آپارتاید بود. اسرائیلی‌ها در پی تحقق این راه‌حل هستند. از این طریق سعی کردند تا مشکلات‌شان را حل کنند. اسرائیلی‌ها طی این ۳۰ سال به این سمت رفتند که زندگی را برای فلسطینی‌ها خیلی دشوار کنند. در یک سال گذشته، یعنی قبل از ۷ اکتبر شرایط زندگی برای فلسطینی‌ها سخت شده بود. دیگر راه‌حل ۲ دولت-دو ملت به جایی نرسید و هم سیاست ساخت شهرک‌ها مدام افزایش پیدا کرد. حتی در همان ۲۲ درصد از خاک فلسطین، هم فلسطینی‌ها برای عبور و مرور باید از چند صد تا چک پوینت عبور می‌کردند. در ۱۰ ماه ابتدایی سال ۲۰۲۳، ۲۶۰ فلسطینی شامل ۴۰ کودک کشته شدند و هزار و ۶۸۰ فلسطینی هم دستگیر شدند. صهیونیست‌ها هم به سمت سیاست‌هایی رفتند که بتوانند مسجدالاقصی را به دست بیاورند. باید به این مساله هم اشاره کنم که شاید این تحلیل که سال ۲۰۰۵ اسرائیل غزه را ترک کرده، درست باشد اما به مدت ۱۶ سال غزه در محاصره تمام‌عیار بود. اسرائیلی‌ها این خاک را عملا به یک زندان بدون سقف تبدیل کرده بودند. پنج هزار و ۵۰۰ فلسطینی هم در زندان‌های رژیم صهیونیستی بودند که شرایط‌شان بعد از روی کار آمدن نتانیاهو خیلی سخت شده بود. ائتلاف تندروی نتانیاهو شرایطی را که قبلا برای زندانی‌ها وجود داشت مانند آموزش در زندان یا امکان ملاقات با خانواده را حذف کرد. همزمان با این شرایط خیلی سخت در غزه و کرانه باختری دنیا هم به این سمت رفت موضوع فلسطین را فراموش کند. از طریق سیاست‌های ترامپ بحرین، امارات و مراکش روند عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی را پیش گرفتند.

عادی‌سازی برای تمرکز بر چین

عربستان هم به‌سمت ایجاد روابط سیاسی با رژیم صهیونیستی در حرکت بود. نکته مهم این است در دوران ترامپ و بایدن، تلاش آمریکا دوری از امور خاورمیانه و تمرکز روی چین بوده است و تصمیم داشتند روابطی میان اسرائیل و عربستان ایجاد کنند. عربستان و رژیم صهیونیستی مسئول رسیدگی به مسائل امنیتی منطقه شده و بر روابط منطقه کنترل داشته باشند تا بتوانند اموری مانند محدود کردن ایران و کشورهایی مانند یمن، سوریه و عراق را پیش ببرند و از این طریق آمریکا بتواند اصل تمرکزش را روی کنترل چین بگذارد.

اهداف اصلی عملیات ۷ اکتبر

برای عملیات حماس در ۷ اکتبر می‌توان پنج هدف اصلی در نظر گرفت: ۱- از بین بردن محاصره غزه، ۲- توقف شهرک‌سازی‌ها، ۳- آزادسازی زندانی‌ها. ۴- زدودن غفلت جهان از اتفاقات فلسطین و مقابله با ایجاد روابط دیپلماتیک کشورها با اسرائیل و ۵- ادعای اسرائیلی‌ها درباره بیت‌المقدس. عملیات ۷ اکتبر به‌لحاظ قانون بین‌الملل یک حمله قانونی و مشروع است؛ چراکه بر اساس قواعد سازمان ملل، مردمی که تحت اشغال هستند این اجازه و حق را دارند از خودشان دفاع کنند، حتی اگر این دفاع از راه‌های نظامی باشد. در ۷ اکتبر درواقع حماس قربانی پیروزی خودش شد و فلسطینی‌ها قربانی پیروزی شدند. علی‌رغم اینکه به دنیا نشان دادند بحث فلسطین را نمی‌توان کنار زد و فراموش کرد، اما اسرائیل از این فرصت برای از سرگیری پاکسازی نژادی‌اش استفاده کرد.

امروزه ما در فلسطین که شامل کرانه باختری، غزه و فلسطین است، ۷٫۵ میلیون فلسطینی و هفت میلیون و ۲۰۰ هزار یهودی داریم. اسرائیل در پی حل این مشکل، شرایط و زندگی را برای فلسطینی‌ها خیلی دشوار کرده تا از این طریق آنها ناچار به مهاجرت شوند؛ هر چند براساس تجربه تاریخی، فلسطینی‌ها هیچ‌وقت مهاجرت نمی‌کنند. در این سه ماه جنگ، ۸۵ هزار فلسطینی کشته و زخمی شده که ۲۲ هزار نفر آنها شهید شده‌اند و از این تعداد ۹ هزار نفر کودک هستند. ۸۵ درصد فلسطینی‌های غزه هم مجبور به ترک خانه‌شان شدند و الان بدون خانه و پراکنده هستند. در این جنگ تمام زیرساخت‌ها شامل مدارس، بیمارستان‌ها، مساجد، کارخانه‌ها و حتی زمین‌های کشاورزی از بین رفت. این نوع ویرانی بعد از جنگ جهانی دوم بی‌سابقه بوده است. یکی از اهداف اصلی حماس در ۷ اکتبر همراه و هماهنگ کردن جهان اسلام با فلسطین بود. این حمله باعث شد آن وجهه رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک نیروی نامرئی -یعنی آنقدر قوی است که نامرئی است- شکسته شود. به‌طوری که هزار تا دو هزار رزمنده توانستند اسرائیل را به زانو درآورده و شکست اطلاعاتی سنگینی را متوجه آن کنند. اسرائیل هدفش این بوده از طریق سیاست‌های نظامی، کشورهای منطقه را مجبور کند با سیاست‌هایش همراه شوند. این وجهه از رژیم صهیونیستی به‌طور کلی شکسته شد. در جنگ غزه، اسرائیل در تلاش است آن چهره را مجددا بازسازی کند، یعنی می‌خواهد دوباره آن وجهه نامرئی و قدرتمند بودنش را بازسازی کند. من معتقدم جریان مقاومت، همراهی جهان عرب و جهان اسلام برای حرکتش را زیادی دست بالا محاسبه کرده است. احتمالا اینها گمان می‌کردند با شروع جنگ، حزب‌الله هم به جبهه‌ها ورود مشابهی پیدا می‌کند. حزب‌الله علی‌رغم اینکه در این مدت درگیری‌هایی با اسرائیل داشته اما به یک جبهه شمالی تبدیل نشد. البته دلیل این امر هم تا حدودی قابل فهم است؛ چراکه اگر الان حزب‌الله بخواهد حضور پیدا کند، اسرائیل ۷۰ هزار شهرک‌نشین را در منطقه شمال تخلیه کرده و حالا آمادگی دفاع از خود را دارد. اگر حزب‌الله ورود پیدا کند و حیفا و یا تل‌آویو را بزند، آنها بیروت را می‌زنند. ولی درعین‌حال تحلیل من این است حماس بیش از اندازه روی ورود بازیگران حساب باز کرده بود.

قربانی شماتت نشود

سوالاتی مطرح می‌شود راجع‌به اینکه آیا حماس باید این عملیات را انجام می‌داد یا خیر؟ در رابطه با پاسخ این سوال باید بگویم که اساسا طرح این سوال اشتباه است. ما نباید کاری کنیم قربانی مورد شماتت قرار گیرد. از طرف فلسطینی‌ها واکنش شدید و گسترده صهیونیست‌ها قابل پیش‌بینی نبوده است. باید بدانیم اینطور نیست اسرائیل فقط تهدیدی برای فلسطینی‌ها باشد. بلکه تهدیدی برای منطقه است و راه‌حل رفع این تهدید هم عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نیست. کما اینکه مصر و اردن با اسرائیل روابط برقرار کردند ولی همچنان دچار مشکلاتی بسیاری هستند؛ چراکه رژیم صهیونیستی تلاش دارد قدرت‌های دنیا را کاملا حذف کند.